www.takbook.com

خِرَدگان
WWW.KHERADGAN.IR

تأثیرات متقابل
گاهشماری‌های جهان باستان
(ایرانی و مصری)

نویسنده:
اسماء معصومی نژاد

www.takbook.com

فهرست

تأثیرات متقابل گاهشماری‌های جهان باستان ۳

پیشگفتار ۳

گاهشماری در مصر باستان ۴

درآمد ٤

گاهشماری‌های رایج در مصر باستان ٥

گاهشماری قمری ٦

گاهشماری معبدی ٦

گاهشماری عرفی یا گردان ۷

گاهشماری ثابت یا سوتیس ۹

نتیجه‌گیری ۱۰

تأثیرات گاهشماری‌های مصری و ایرانی بر یکدیگر ۱۱

درآمد: ۱۱

اقتباس گاهشماری مصری باستان از سوی ایرانیان در سده ششم پ.م ۱۲

دی ماه اوستایی و ماه توت مصری ۱٤

تأثیر متقابل ایرانیان بر گاهشماری مصری ۱٤

نتیجه‌گیری ۱٤

بن مایه‌ها و یاری نامه‌ها ۱۶

www.takbook.com

تأثیرات متقابل گاهشماری‌های جهان باستان

اسماء معصومی نژاد[1]

پیشگفتار

مصر سرزمینی است که با وابسته بودن حیات اجتماعی خود به نیل و سلطه‌ی دینی خدایان آسمانی توانست به ریاضیات پیشرفته‌ای نسبت به سایر سرزمین‌های همجوار خود دست یابد. گاهشماری در این سرزمین از اوایل هزاره‌ی سوم ق.م جریان داشته است. مصر، گاهشماری یا بهتر بگوییم گاهشماری‌هایی را دارا بوده که هر یک کارکردها و الزامات خاصی را در جامعه‌ی کهن آن زمان داشتند. گاهشماری قمری که حاصل اولین تلاش مصریان برای محاسبه‌ی زمان بود و در اختیار کاهنان قرار گرفته بود تا موقع جشن خدایان خود و انجام فرامین دینی خود را بدانند اما با جا به جایی فصل‌ها وکبیسه‌هایش گاهشماری را برای مردمان عادی و امورات دولتی دشوار ساخته بود. به همین سبب گاهشماری گردان و یا عرفی ۳۶۰ روزه و پس از آن هم گاهشماری $\frac{1}{4}$ ۳۶۰ روزه را به وجود آورند و... فرضیاتی وجود دارد که ایرانیان در دوران هخامنشیان اصول گاهشماری اوستایی نو را از مصریان الهام گرفتند و با اعمال تغییراتی آن را به صورت گاهشماری رسمی و عرفی، جایگزین گاهشماری اوستایی کهن کردند. این الهامات که به نظر می‌رسد از دوره‌ی هخامنشیان و با ورود داریوش یکم به مصر شروع شد، حاکی از پیشرفت و توانایی بالای مصریان در محاسبه‌ی دقیق زمان است. با این حال ایرانیان هم در دوران هخامنشیان تأثیرات قابل توجهی بر روی گاهشماری مصری گذاشتند. در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی، به بیان گاهشماری‌های رایج مصر کهن و شکل و چگونگی آنها و همچنین تأثیرات گاهشماری مصر باستان بر گاهشماری ایرانی و همچنین شباهت‌های بین تقویم مصری و ایرانی بپردازیم.

برای واکاوی هرچه بهتر، این پژوهش در دو بخش «گاهشماری در مصر باستان» و« تأثیرات متقابل گاهشماری‌های مصری و ایرانی» تهیه شده است.

---

۱ – دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه باهنر کرمان

www.takbook.com

گاهشماری در مصر باستان

اسماء معصومی نژاد

(بخش نخست)

مطابق با بروزرسانی ۱۷ امرداد ۱۳۹۵

درآمد

تعداد گاهشماری‌هایی که انبوه تمدن‌های جهان ما، در گذشته و اکنون به کار برده و می‌برند بی‌شمار است. زمانی که مورخان توانستند با جهد و تلاش بسیار پی به شیوه‌ی گاهشماری‌های باستان ببرند. از چنین پیچیدگی و تبحری در گاهشماری و دقت و نزدیکی به زمان در شگفت ماندند. تمامی گاهشماری‌های دنیای باستان دو ویژگی خاص داشتند یا یک عامل قمری برای تشخیص واحدهای کوچک زمان و یا یک عامل خورشیدی برای اندازه‌گیری سال یا به عبارت دیگر تکرار ادواری فصل‌ها داشتند. ظاهراً تنها همین عامل دوم برای کشاورزی اهمیت داشته است و پاسخگوی نیازهای عملی مرحله‌ی پیشرفته‌تر یک تمدن بوده است.

یکی از تمدن‌هایی که توانست به گاهشماری پیشرفته‌ای دست یابد تمدن مصر بود. تمدنی که با شناختن فلک آسمانی توانستند تمدن خود را به اوج فر و شکوه رساندند. بسیاری از جزئیات گاهشماری مصری مبهم و نامعلوم است، اما از تأثیراتی که گاهشماری مصری بر سایر ملل گذاشته است می‌توان پی به والایی دانش نجوم و هندسه‌ی مصریان برد.

یکی از تمدن‌هایی که از مصریان تأثیر پذیرفت، تمدن عظیم هخامنشی بود که در سده‌ی پنجم یا ششم ق.م از گاهشماری مصری تأثیرات فراوانی پذیرفت. در واقع به نظر می‌رسد گاهشماری اوستایی نو برگرفته از گاهشماری مصری بوده و جایگزین گاهشماری اوستایی کهن شده است.

با آنکه به علت کمبود آثار باقی مانده از تقویم مصریان به سختی می‌توان پی به بسیاری از جزئیات و حقایق گاهشماری مصری برد، کلیتی از انواع گاهشماری در مصر باستان قابل دستیابی است که در این نوشتار به معرفی و بررسی آنها می‌پردازیم

www.takbook.com

گاهشماری‌های رایج در مصر باستان

آنچه از نجوم مصر قدیم باقی مانده است بسیار اندک است. ابسا (روحانیان مصری) مطالب زیادی می‌دانستند اما نمی‌خواستند کسی از آنها اطلاع یابد. آنها می‌توانستند ستارگان ثابت را از سیارات تشخیص دهند و چون معبودهای اصلی کیش مصریان باستان اجرام آسمانی بودند روحانیت مصر در نگاه داشتن حساب زمان و پیش بینی پدیداری و ناپدیداری ایزد آسمانی مهارت یافتند (ولز، ۱۳۸۴: ص ۲۴۸).

هر سال با فرا رسیدن بارش باران‌های سنگین و ذوب برف‌ها در سرچشمه‌های نیل در کوه‌های آفریقای مرکزی باعث جریان یافتن سیلاب‌های می‌شود. بین ماه‌های ژوئیه «تیر ماه تا اکتبر» آبان ماه رود نیل از کناره‌هایش سرریز می‌کند. کاهنان مصری می‌خواستند جشن‌های مذهبی با روزهایی که برای کشاورزی معتبر و با اهمیت بود مصادف شوند. به همین دلیل کاهنان مصری باید روشی علمی برای قرار گرفتن در جریان زمان ابداع می‌کردند (اسمیت، ۱۳۸۰: ص ۴۷).

همین دو دلیل کافی است تا پی به اهمیت نجوم گاهشماری در مصر باستان ببریم. مصر باستان از همان ابتدا ریاضیات پیشرفته‌ای داشت و به خاطر قرار داشتن در همجواری رود نیل و طغیان‌های هر ساله‌ی این رود و وابسته بودن زندگیشان به آن و اینکه خدایانشان آسمانی بودند، به گاهشماری و نجوم توجه بسیاری کردند اما چون این علم در دست کاهنان بود کمتر کسی از آن آگاهی داشت.

امروزه دانستنی‌های ما از گاهشماری‌های مصری اندک است اما آشکار است که در مصر باستان همزمان چند نوع تقویم در کنار هم رایج بوده‌اند.

از جمله این گاهشماری‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– *سال قمری ۵-۳۵۴ روزه*

– *سالی ۳۶۰ روزه که جنبه‌ی دینی داشته و بیشتر ابزار دست روحانیت مذهبی مصر باستان (کاهنان) بود و سال معبدی نامیده می‌شد.*

– *سال ۳۶۵ روزه معروف به سال عرفی یا گردان که از آن در امور مربوط به تعیین ساعات روز و شب و فلق وشفق – مجموعاً ۲۴ ساعت – و کارهای روزانه و محاسبات نجومی، اندازه‌گیری و فواصل میان پدیده‌ها سود می‌جستند.*

– *سال $۳۶۰\frac{1}{4}$ روزه برابر با فاصله‌ی میان دو طلوع صبحگاهی شعری = شباهنگ = سپدت = تیشتر معروف به سال سوتیسی*

www.takbook.com

گاهشماری قمری

این نوع گاهشماری بر اساس نیاز تعیین محل جشن تولد«رع» بود که به وجود آمد. سال قمری مصری معمولاً از دوازده ماه ۲۹ یا ۳۰ روزه‌ی رؤیت شده تشکیل می‌شود و اولین ماه آن پس از جشن مذکور بود. تعداد روزهای این سال ۳۵۴ روز بود و هر دو سه سال یک بار کبیسه می‌کردند. این تقویم در مصر علیا بر اساس جشن عمده‌ی پرت سپدت که در آخر ماه بود انجام می‌دادند (ولز، ۱۳۸۴: ص ۴۳۵).

ماه قمری مصریان بر عکس کشورهای همسایشان با رؤیت نخستین هلال ماه در افق مغرب پس از غروب آفتاب شروع نمی‌شد. ماه قمری آنان با ناپدید شدن آخرین هلال، پیش از طلوع آفتاب، در افق مشرق آغاز می‌گردید. سال قمری آنان به تبعیت از فصل‌های آنان، به چهار ماه فیضان – آنگاه که رود نیل بالا می‌آمد و زمین‌های اطراف را فرا می‌گرفت و چهار ماه بذرکاری و رشد و نمو گیاه و چهار ماه خرمن و کم آبی تقسیم می‌شد چون ۱۲ ماه قمری به طور متوسط ۱۱ روز از سال طبیعی کوتاه‌تر است. هر دو یا سه سال ماه سیزدهمی را کبیسه می‌کردند یا به سال می‌افزودند تا جای فصول تغییر نیابد. این سال قمری نجمی سال‌ها در مصر رایج بود. حتی تا پایان دوره‌ی رواج شرک و بت‌پرستی از همین سال به عنوان سال دینی استفاده می‌شد و جشن‌ها و آیین‌های مذهبی را طبق آن انجام می‌دادند (صنعتی زاده، ۱۳۸۴: ص ۴۹۳).

در گاهشماری قمری بدوی مصری، ماه قمری به چهار هفته مبتنی بر تربیع اول، بدر کامل و تربیع دوم (محاق) تقسیم می‌شد. ماه اول این سال قمری تی نام داشته است (صنعتی زاده، ۱۳۸۴: صص ۴۹۴- ۴۹۹). گاهشماری قمری – مصری، که در آغاز دوره‌ی فراعنه وضع شد هر چند جنبه‌ی علمی داشت. جهت انجام امور اقتصادی و مالی مناسب نبود. برای مردم کوچه و بازار کار کردن با گاهشماری که گاه ۱۲ ماه و زمانی ۱۳ ماه بود، و روز اول هر یک ماه‌های آن می‌بایست رصد شود دشوار بود. در عمل طبقه‌ی خاصی از کاهنان که مباشران ساعات نامیده می‌شدند سرپرستی امور مربوط به زمان سنجی را بر عهده گرفتند و به امور مربوط به زمان سنجی و تعیین روزهای اول ماه‌های قمری می‌پرداختند. اما به موازات رواج و گسترش مهارت و نوشتن در اثنای فرمانروایی سه سلسله‌ی اولیه‌ی فراعنه، نیاز به بایگانی تاریخ‌دار و تاریخ‌گذاری نامه‌ها و سیاهه موجودی انبار کالاها و مخصوصاً کالاهای فسادپذیر، لزوم ایجاد روشی ساده برای نگاه‌داری حساب ماه‌ها و روزها را آشکار ساخت.

گاهشماری معبدی

اشتیاق به داشتن شیوه‌ای ساده‌تر که نیاز به کوشش فراوان برای منظم بودن نداشته باشد باعث تحول گاهشماری شد. ساده‌گرایی بر اساس گرد کردن اعداد گاهشماری قمری سرانجام منجر به ۱۲ ماه سی روزه و سال ۳۶۰ روزه شد.

این سال ۳۶۰ روزه با ۳۶ عشره و ۷۲ خمسه تقسیم می‌شد (تقی زاده، ۱۳۶۸: ص ۲۳۱).

www.takbook.com

این نوع گاهشماری برای انجام مراسم مذهبی و برپا کردن جشن‌های سنتی که گاهشماری معبدی نامیده می‌شد به کار می‌رفت. این گاهشماری ۳۶۰ روزه با دوازده ماه سی روزه پنج روز اضافه را در نظر نمی‌گرفت. این ۳۶۰ روز به سه فصل و هر فصل به چهار ماه و هر ماه به سه هفته‌ی ده روزه و هر ده روز به دو پنجه تقسم می‌شد (صنعتی زاده، ۱۳۸۴: ص ۴۷۹).

بنابراین می‌توان گفت شکل عددی سال ۳۶۰ روزه‌ی معبدی، سال دینی چنین است:

۳ فصل × ۴ ماه = ۱۲ ماه

۳ دهه × ۱۲ماه = ۳۶ دهه

۲ پنجه × ۳۶دهه = ۷۲ پنجه

گاهشماری عرفی یا گردان

این تقویم از آغاز هزاره سوم در مصر مورد استفاده قرار گرفت. دارای یک سال ۳۶۵ روزه و ۱۲ ماه سی روزه به اضافه‌ی ۵ روز اضافی در پایان سال بوده است (گریشویچ، ۱۳۸۷: ص ۳۷۵).

سال را به سه فصل تقسیم می‌کردند و هر فصل چهار ماه داشت:

فصل اول: اخت (Akhet)

فصل بر آمدن و زیاد شدن و فرو نشستن آب نیل بود.

ماه‌های این فصل:

۱- توت (Thoth)

۲- فائوقی (Phaophi)

۳- اتیر (Thyr)

۴- خویاک (Khyak)

فصل دوم: پوت (Pevet)

فصل کشاورزی و بذرافشانی بود.

ماه‌های این فصل:

۱- تی بی (Tybi)

۲- مخیر (Mekhir)

۳- فامنوت (Phamenoth)

۴- فارموتی (Pharmuti)

www.takbook.com

فصل سوم: شمو (Shemu)

فصل پایین رفتن آب و موقع خرمن بود.

ماه‌های این فصل:

۱- پاخون (Pakhon)

۲- پانی (Payni)

۳- اپی فی (Epiphi)

۴- مسوری (Mesori)

(دورانت، ۱۳۸۲: ص ۲۱۵).

این سال سالی خورشیدی بوده است.

وقتی که آب رودخانه‌ی نیل به منتهای موجود رسیده بود هنگام نخستین روز اول سال ستاره‌ی شعرای یمانی که آن را سوتیس می‌نامیدند ۴۲ دقیقه قبل از طلوع خورشید ظاهر شد اما بلافاصله تا اولین طلوع خورشید ناپدید شد؛ بنابراین فرعون اعلام داشت که این سال را سالی سوتیاک «شعرایی» نام نهادند. بعد از سال ۴۶ قبل از میلاد نیز که قیصر روم تقویم را به طور کلی تغییر داد هنوز معمول بود می‌توانستند انطباق طلوع خورشید و ستاره‌ی شعرای یمانی را در یکی از اوقات سال به دقت معلوم نمایند همین امر ثابت می‌کند که متفکران مصری آسمان را با دقت از مدت‌ها قبل رصد می‌کردند (بیات، ۱۳۸۱: ص ۵۰).

زمانی که این گاهشماری اتخاذ گردید ۷۲ عشره گاهشماری معبدی به ۷۳ عشره تبدیل شده روزهای ماه هر یک اسمی داشته و هر یک به خداوندی منسوب بود. اول سال اساساً از موقع بالا آمدن نیل و اولین طلوع صبحی شعرای یمانی بوده (تقریباً در ۲۱ ژانویه) (تقی زاده، ۱۳۶۸: ص ۵۸).

پنج روز زائد را ابوغمنا می‌گویند و معنی آن ماه کوچک است. این ماه پنج روز اضافه به آخر ماه دوازدهم مصری یعنی «مسری» ملحق می‌شوند و یک روز برای کبس می‌افزایند و ابوغنا شش روز می‌شود و سال کبیسه را فقط گویند و تفسر آن علامت نشان است (محمدکاوه، ۱۳۷۳: ص ۷۶). ایام خمسه مسترقه نحس بوده است و هر روز آن به اسم یکی از خدایان بود این پنج روز عید اموات بود (تقی زاده، ۱۳۶۸: ص ۵۲).

مصریان باستان از طریق جداول ساعت‌های ستاره‌ای مورب روزهای ابوغنا را محاسبه می‌کردند. اما به این نکته توجه نمی‌کردند که پس از ۳۶۵ روز خورشید دقیقاً به محاذات همان ستاره‌ی معین مراجعه نمی‌کند در نتیجه جدول در هر چهار سال یک روز را اشتباه می‌کند (ولز، ۱۳۸۴: ص ۴۴۱).

www.takbook.com

در این سال ۳۶۵ روزه فصل اول که با طغیان رود نیل همراه بود را اخت (Akhet)، فصل دوم را پرت (Pevet) به معنای سر زدن یعنی زمین گیاه از زیر آب بیرون می‌آورد و فصل سوم را شمو (Shemu) می‌نامیدند که مفهوم پایین رفتن آب و موقع خرمن را بیان می‌کرد. هنگامی که می‌خواستند تاریخی تعیین کنند پس از اشاره به سال جلوس معمولاً روز و ماه و فصل را در الگوی «شماره‌ی ماه، فصل، شماره‌ی روز» می‌آوردند به عنوان مثال «چهارم شمو» که مفهوم روز بیستم از ماه چهارم از فصل شمو را می‌رساند.

در این گاهشماری به علت اینکه هیچ روزی را کبیسه نمی‌کردند در نتیجه روز آغاز این گاهشماری در سال خورشیدی آن قدر به عقب می‌افتاد تا اینکه در یک دوره‌ی ۱۴۵۲ تا ۱۵۰۶ ساله دوباره به جای اول خود باز می‌گشت. جای تردید نیست این گاهشماری عرفی و رسمی که اغلب آن را سال گردان می‌خواندند از دوره‌ی پیش از پیدایش سلسله‌های فراعنه تا دوره‌ی رومی‌ها معمول بوده و رواج داشت (سی‌ول و دبلیو، ۱۳۸۴: ص ۴۴۷).

گاهشماری ثابت یا سوتیس

همانگونه که گفته شد بزرگ‌ترین ایراد گاهشماری عرفی گردان بودن آن بود به همین سبب یم هوتپ وزیر مشهور فرعون سلسله‌ی «جوزر» که نوزدهمین شاه از خاندان منس به حساب می‌آید سال را $\frac{1}{4}$ روز محاسبه کرد اما روشی که او اتخاذ کرده بود، یک دقیقه از $\frac{1}{4}$ روز جلوتر بود. این گاهشماری همزمان در کنار گاهشماری قمری برای تعیین فرائض دینی و برگزاری جشن‌ها به کار می‌رفته است.

مدارک بی ابهام دلالت بر این دارد که مصریان در تمام مدت حیات تمدن و فرهنگ خود عصرهایی طولانی زمان را با دوره‌هایی اندازه می‌گرفته‌اند که در آن یک پدیده‌ی نجومی از یک دوره‌ی گاهشماری گذر می‌کرده است. مثلاً می‌بینیم دوره‌ی سوتیسی عبارت از آن دوره‌ای است که طلوع صبحگاهی شباهنگ سرتاسر پهنه‌ی ۳۶۵ روز سال گاهشماری را طی می‌کند: ۱۴۵۶ سال در نخستین دور که از سال ۲۷۶۹ ق.م آغاز شد. ۱۴۵۵ سال در دوره‌ی بعدی از آغاز دوره‌ای در سال ۱۳۱۳ ق.م و دوره‌ی بعد که در سال ۱۳۸ میلادی شروع شد. این دوره‌ها را «دور ابدیت» نام نهاده بودند که به آن دور ققنوسی نیز می‌گویند (سی‌ول و دبلیو، ۱۳۸۴: صص ۴۵۲-۴۵۳).

مصریان موفق شدند روز و شب را به ۱۲ ساعت تقسیم کنند چون می‌پنداشتند اختران در زندگی انسان تأثیر می‌گذاشتند. اختر گویان مدعی شدند می‌توانند روزهای سعد و نحس را پیشگویی کنند (لوکاس، ۱۳۸۷: ص ۱۱۵).

www.takbook.com

اما در باب مبدأ تقویم مصریان تاریخ نبوکدنصر (بخت‌نصر) را به عنوان مبدأ خود می‌پداشتند؛ اما در تحقیقات اخیر مبدأ تاریخ قبطی را سال اول جلوس امپراطور روم دیوکلیسیان که در سال ۲۸۴ ق.م مسیح بوده است می‌نویسند:

دقلطیانوس مورخ عرب، این تاریخ را به مناسبت اینکه دیوکلیسیان مزبور در مدت سلطنت خود (۲۸۴-۳۰۵) عده‌ی کثیری از مسیحیان را به قتل رسانید «تاریخ‌الشهدا» می‌نامیدند و همه جا در کتب تواریخ مصر و نیز در تقاویم و جراید امروز از مبدأ قبطیان به تاریخ‌الشهدا تعبیر می‌کنند. سال ۱۹۸۲ میلاد مسیحی برابر است با سال ۱۶۹۸ شهدا. اکنون در مصر عموم جراید و مجلات و تقاویم آن مملکت تاریخ قطبی و ایام مشهور و سنین قبطی در جنب تاریخ هجری و میلادی هر سه با هم نوشته می‌شوند (بیات، ۱۳۸۱: ص ۱۵۲).

اینها آشکارترین ویژگی این گاهشماری مصری بودند و زمینه‌ای می‌شوند برای بیان تأثیرات مقابل تقویم مصری و گاهشماری اوستایی نو.

نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی آنچه بیان شد می‌توان گفت که عامل اصلی پیشرفت علم نجوم و گاهشماری مصریان باستان دو چیز بوده است: نخست آن که حیات اجتماعیشان وابسته به نیل بوده است و با محاسبه کردن زمان‌های طغیان و نشست و کشت وبرداشت حیات اجتماعی خود را تضمین می‌کردند. دوم آن که خدایان بزرگ مصری اجرام سماوی بودند که منزلگاهشان در دل آسمان بود، بنابراین برای تعیین دقیق زمان جشن‌ها و مراسمات دینی خود و هماهنگ کردن آن با جشن‌های حاصل از برداشت محصول و... هماهنگ کنند نیازمند گاهشماری دقیقی بودند. گاهشماری قمری به دلیل مشکلاتی که داشت و ایجاد سردرگمی در میان کارهای اداری و بازاری مردم نتوانست نیاز مردم را برآورده کند؛ بنابراین گاهشماری خورشیدی گردان اختراع شد اما این گاهشماری نیز به دلیل ثابت نبودن نتوانست نیاز روحانیان را بر طرف کند. بنابراین گاهشماری سومی ساخته شد که ثابت بود و می‌توانست پاسخگوی نیازهای مردم باشد. اما نکته‌ی جالب توجه این است که با ورود گاهشماری جدید گاهشماری قبلی منسوخ نشد بلکه گاهشماری قبلی نیز در کنار گاهشماری جدید به حیات اجتماعی خود ادامه داد به طوری که به مدت ۲۸۰۰ سال گاهشماری گردان و گاهشماری ثابت دو گاهشماری اصلی مصر بودند. این گاهشماری‌ها به صورت مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر به حیات خود ادامه دادند وهریک پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی کهن مصری بوده‌اند.

www.takbook.com

تأثیرات گاهشماری‌های مصری و ایرانی بر یکدیگر

اسماء معصومی نژاد

(بخش دوم)

مطابق با بروزرسانی ۱۶ امرداد ۱۳۹۵

درآمد:

یکی از تمدن‌هایی که توانست به گاهشماری پیشرفته‌ای دست یابد تمدن مصر بود. تمدنی که با شناختن فلک آسمانی توانستند تمدن خود را به اوج فر و شکوه رساندند. بسیاری از جزئیات گاهشماری مصری مبهم و نامعلوم است، اما از تأثیراتی که گاهشماری مصری بر سایر ملل گذاشته است می‌توان پی به والایی دانش نجوم و هندسه‌ی مصریان برد.

در مصر باستان، هر سال با فرا رسیدن بارش باران‌های سنگین و ذوب برف‌ها در سرچشمه‌های نیل در کوه‌های آفریقای مرکزی باعث جریان یافتن سیلاب‌های می‌شود. بین ماه‌های ژوئیه «تیر ماه تا اکتبر» آبان ماه رود نیل از کناره‌هایش سرریز می‌کند. کاهنان مصری می‌خواستند جشن‌های مذهبی با روزهایی که برای کشاورزی معتبر و با اهمیت بود مصادف شوند. به همین دلیل کاهنان مصری باید روشی علمی برای قرار گرفتن در جریان زمان ابداع می‌کردند (اسمیت، ۱۳۸۰: ص ۴۷).

www.takbook.com

یکی از تمدن‌هایی که از مصریان تأثیر پذیرفت، تمدن عظیم هخامنشی بود که در سده‌ی پنجم یا ششم ق.م از گاهشماری مصری تأثیرات فراوانی پذیرفت. در واقع به نظر می‌رسد گاهشماری اوستایی نو برگرفته از گاهشماری مصری بوده و جایگزین گاهشماری اوستایی کهن شده است.

با این حال متأسفانه به علت کمبود آثار باقی مانده از تقویم مصریان به سختی می‌توان پی به بسیاری از جزئیات و حقایق گاهشماری مصری و چگونگی تأثیر آن بر گاهشماری ایرانی برد و منابع و آگاهی مورخان بیشتر به حدس و گمان و تردید تکیه کرده‌اند. هر چند که اطمینان کامل در آنها تثبیت و فقط فرضیاتی غیرقابل رد و انکار هستند و تا کنون هیچ گونه سند کتبی یا مدرکی که دلالت بر اقتباس گاهشماری مصری باستان از سوی هخامنشایان نشده است اما شباهت‌های بین این دو تقویم می‌توانند استدلال‌های محکمی را برای اثبات این نظریه بیاورد.

اقتباس گاهشماری مصری باستان از سوی ایرانیان در سده ششم پ.م

بسیاری از پژوهشگران با توجه منابعی که امروز به دست آمده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که ایرانیان در اواخر سده ششم یا اوایل سده‌ی پنجم قبل از میلاد، تقویم مصری را با تمام خصوصیات و جزئیات اقتباس و آن را زیر بنای سال دینی خود قرار دادند. بنابراین ظن قوی می‌رود که در همین زمان، شاید اندکی یا بلافاصله پس از عودت داریوش از مصر ؛ مثلاً بین سال‌های ۵۱۵ تا ۵۱۰ ق.م محافل زرتشتی ایران و رؤسا و موبدان آن کیش (و شاید جانشین زرتشت در آن عصر) ترتیب گاهشماری مصری را که ساده بود و در نظر هر کسی معقول و بی پیچ و خم و سهل و سر راست می‌آمد پسندیده و آن را برای خود اتخاذ نمودند و به جای گاهشماری اوستایی کهن گذاشتند و نیز شاید به واسطه‌ی خشمی که داریوش و دولتیان ایران بر اثر خروج گئوماتا نسبت به مغان دینی بومی ایران پیدا کردند. زرتشتیان از حمایت و مساعدت دولت بهره‌مند و البته تشویق هم می‌شدند. آنها از گاهشماری مصری تأثیر گرفتند (ن.ک: تقی زاده، ۱۳۵۷: صص ۳۴۵-۳۴۷). البته برخی هم احتمال می دهند در دوران اردشیر یکم این الهام گیری انجام گرفته است.

در تأیید همین نظرِ مرحوم تقی زاده، دایره‌المعارف فارسی «مصاحب» در زیر مدخل تقویم اوستایی نو اینچنین آمده است که تقویم اوستایی نو در تمام کیفیات و جزئیات با تقویم مصری مطابق است (ن.ک: مصاحب، ۱۳۴۵: ص ۶۵۷).

در چند سطر پایین‌تر درباره‌ی ریشه و اصل اسم ماه‌های ایرانی اضافه می‌کند:

هر روز ماه چنان که در مصر معمول بود، به یک فرشته موکول منسوب و به اسم او منسوب است.

www.takbook.com

می‌بینیم که پژوهشگران بر این باورند که تقویم اوستایی نو در تمام کیفیات و جزئیات با تقویم مصری برابر است و همان روش نام‌گذاری مصریان، الگوی نام‌گذاری ماه‌های گاهشماری اوستایی نو بوده است.

بر این نظرات مختصر ایرادی وارد است به این معنی که تردید نمی‌توان داشت که تا قبل از تصرف مصر به دست ایرانیان دوره‌های آخر سده‌ی ششم ق.م خود مصریان به هنگام تاریخ گذاری نام به کار نمی‌بردند و برای تاریخ گذاری فقط از ارقام و اعداد استفاده می‌کردند.

اما با این حال شباهت‌ها آنقدر زیاد است که نمی‌توان این تأثیر گذاری را نادیده گرفت. برای مثال پژوهشگران معتقدند که ایرانیان باستان فقط سال ۳۶۵ روزه‌ی بدون کسر مصری را اقتباس کرده و آن را زیر بنای گاهشماری خود قرار دادند.

در این میان با آشنایی بیشتر با گاهشماری مصری این تأثیر گذاری آشکار تر می‌شود.

شباهت ماه و دهه و پنجه سال ۳۶۰ روزه‌ی «گاهشماری معبدی» مصری به تعداد نخ و... «کستی» در آیین زرتشتی قابل توجه است. کستی، ریسمانی است که هر زرتشتی به هنگام بلوغ و ادای شهادت به زرتشتی بودن بایستی به کمر ببندد.

گاهشماری معبدی مصری برای انجام مراسم مذهبی و برپا کردن جشن‌های سنتی به کار می‌رفت. این گاهشماری ۳۶۰ روزه با دوازده ماه سی روزه پنج روز اضافه را در نظر نمی‌گرفت. این ۳۶۰ روز به سه فصل و هر فصل به چهار ماه و هر ماه به سه هفته‌ی ده روزه و هر ده روز به دو پنجه تقسم می‌شد (صنعتی زاده، ۱۳۸۴: ص ۴۷۹).

بنابراین می‌توان گفت شکل عددی سال ۳۶۰ روزه‌ی معبدی، سال دینی چنین است:

۳ فصل × ۴ ماه = ۱۲ ماه

۳ دهه × ۱۲ ماه = ۳۶ دهه

۲ پنجه × ۳۶ دهه = ۷۲ پنجه

حال می‌توان به مقایسه پرداخت: کستی زرتشتیان از ۷۲ نخ که دوازده رشته‌ی شش نخی بافته شده است. این ۱۲ رشته به بنه‌ی خود در سه رسن هر یک دارای چهار رشته بافته شده است. این سه رسن لای یکدیگر گره می‌خورند و کرسی را به وجود می‌آورند (صنعتی زاده، ۱۳۸۴: ص ۴۹۷). مسلماً این شباهت اتفاقی نیست.

www.takbook.com

دی ماه اوستایی و ماه توت مصری

به نظر می‌آید «ماه دی» گاهشماری اوستایی نو، هویتی است وام گرفته شده از ماه توت مصری، ماه اول سال ۳۶۵ روزه عرفی مصری (ن.ک: تقی زاده، ۱۳۵۷: ۳۴۵-۳۴۶). ظاهراً اسم ماه اول سال ۳۶۵ روزه مصری به صورت «توت» تثبیت می‌شود و باز هم به احتمال زیاد این اسم از اسم ماه اول سال قمری مصری که تی = Thy نام داشته است اتخاذ شده بود و شباهت تی و دی گاهشماری اوستایی واضح است.

تأثیر متقابل ایرانیان بر گاهشماری مصری

به گمانم با مقایسه‌ها و دلایل مختصری که آورده شد، تا حدودی نظریه‌ی تأثیر پذیرفتن ایرانیان را از تقویم مصری زمان داریوش اول به اثبات رسید. اما جالب است بدانیم که در پی پژوهش‌های که در سده‌ی بیستم توسط دانشمندان مصرشناس صورت گرفته است متوجه شدند که ایرانیان نیز تأثیراتی بر روی گاهشماری مصری نیز داشته‌اند. مثلاً رسم تاریخ گذاری با کمک ماه‌هایی که صاحب اسم هستند را ایرانیان در مصر باستان رواج داده‌اند و ماه توت مصری و ماه دی ایرانی هر دو با انقلاب زمستانی آغاز می‌شوند.

و مسئله‌ی مهم‌تر رواج عید نوروز است که با همان نام نوروز از دوران باستان تا به زمان حال در مصر باقی مانده است. این آشنایی در دوره‌ی جهان سالاری هخامنشیان صورت گرفته است (صنعتی زاده، ۱۳۸۴: ص ۵۰۱).

نتیجه‌گیری

شواهد گوناگون نشان می‌دهد که هخامنشیان یا شاید روحانیان زرتشتی در پایان سده‌ی ششم یا پنجم ق.م از گاهشماری مصری الهام گرفتند، به طوری که به نظر می‌رسد ریشه گاهشماری اوستایی نو را باید از گاهشماری مصری دانست. از آنجایی که ترتیب گاهشماری مصری ساده بود و در نظر هر کسی معقول و بی پیچ و خم و سهل و سر راست می‌آمد، هخامنشیان آن را پسندیدند و گاهشماری اوستایی نو را بر اساس آن شکل دادند و به جای گاهشماری اوستایی کهن گذاشتند. هر چند سندی برای اثبات آن نیست اما شواهدی که بیان کرده‌ام نه می‌توانسته‌اند تصادفی باشند و نه قابل انکار. با این حال این اثر گذاری فقط یک طرفه نبوده است و ایرانیان هم بر گاهشماری مصری اثرات قابل توجهی گذاشتند. به طور کلی هم زیستی اقوام و ملل گوناگون در شاهنشاهی هخامنشی باعث تأثیرات متقابل فراوانی میان اقوام و ملل می‌شد.

www.takbook.com

شناسنامه نوشتار ها:

معصومی نژاد، اسماء (۱۷ امرداد ۱۳۹۵). «گاهشماری در مصر باستان». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: *http://kheradgan.ir/?p=14057*

معصومی نژاد، اسماء (۱۷ امرداد ۱۳۹۵). «تأثیرات متقابل گاهشماری‌های مصری و ایرانی بر یکدیگر». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: *http://kheradgan.ir/?p=14067*

www.takbook.com

بن مایه‌ها و یاری نامه‌ها:

اسمیت، براند (۱۳۸۰). *مصر باستان*. ترجمه آزیتا پاشایی. تهران: انتشارات ققنوس.

بهروز، ذ (بی تا). *تقویم و تاریخ در ایران*. تهران: انتشارات ایران.

بیات، عزیزالله (۱۳۸۱). *تقویم گاهشماری در جهان*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

تقی زاده، حسن (۱۳۵۷). *گاهشماری در ایران باستان*. تهران: چاپ ایرج افشار.

تقی زاده، حسن (۱۳۶۸). *گاهشماری در تاریخ ایران*. تهران: انتشارات سمت.

دورانت، ویل (۱۳۸۲). *تمدن مشرق زمین*. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات علمی – فرهنگی. جلد اول، چاپ نهم.

سی‌ول، اس. دبلیو، جی (۱۳۸۴). «خاستگاه گاهشماری مصری». در علم در ایران و شرق باستان. انتشارات قطره، دانشگاه شهید باهنر (کرمان).

صنعتی زاده، همایون (۱۳۸۴). *علم در ایران و شرق باستان*. انتشارات قطره، دانشگاه شهید باهنر (کرمان).

گریشویچ، ایلیا (۱۳۸۷). *تاریخ ایران در دوره‌ی هخامنشیان*. تهران: انتشارات گلشن، چاپ دوم.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵). *دایره المعارف فارسی*. تهران: فرانکلین.

کریستن‌سن، آرتور (۱۳۷۶). *نخستین انسان و نخستین شهریار*. ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار. تهران: انتشارات نو، جلد دوم.

لوکاس، هنری (۱۳۸۷). *تاریخ تمدن*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: انتشارات سخن. جلد یک.

محمدکاوه، علی (۱۳۷۳). *گاهشماری و تاریخ گذاری از آغاز تا سرانجام*. تهران: انتشارت رابین.

نبئی، ابوالفضل (۱۳۸۹). *گاهشماری در تاریخ*. تهران: انتشارات سمت

ولز، رونالد. ا. (۱۳۸۴). «گاهشماری و تاریخ‌گذاری در مصر باستان». در علم در ایران و شرق باستان. انتشارات قطره، دانشگاه شهید باهنر (کرمان).

پایــگاه خِــرَدگــان

تاریخ و فرهنگ ایران زمین

KHERADGAN.IR